



محسن تاجیک
روزنامه نگار

صفحه حافظه روزنامه «فرهیختگان» که معمولاً شنبه هر هفته با خبرها و روایت هایی از روزنامه ها و رسانه های سال های گذشته منتشر می شد، در ایام دهه فجر انقلاب اسلامی به صورت روزانه منتشر خواهد شد. در این صفحه تلاش خواهیم کرد ضمن مرور وقایع انقلاب، اظهارنظرها و مواضع مهم چهره ها و شخصیت های سال های ابتدایی انقلاب را نیز مورد بازخوانی قرار دهیم.



خاطره آیت الله خامنه ای از طرح غیرقانونی دولت موقت برای انحلال مجلس خبرگان قاتون اساسی



روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰- وقتی که مجلس خبرگان قانون اساسی در این روای که مشاهده می کنیم که قانون اساسی در آن روال تنظیم شده پیش رفت، مساله ولایت فقیه مطرح شد و مسائل گوناگون دیگر، گروه لیبرال ها و معتقدین به اسلامی که عمدتا اسلام را منهای روحانیون مایل بودند داشته باشد احساس خطر کردند. تصادفاً اوقاتی بود که این گروه بر دستگاه اجرایی مملکت تسلط داشتند یعنی آن وقت دولت (کابینه) از ۲۱ نفر تشکیل می شد که از این عده غیر از پنج، ۶ نفر بقیه همه، از نهضت آزادی یا عضو نهضت آزادی بودند یا سمیات های نهضت آزادی بودند. آن چند نفر دیگر که نبودند، یکی شان مال حزب ملت ایران بود و دو نفر از آنها مال «جاما» بودند و یکی دو نفر هم بودند که عضو حزبی نبودند، بقیه عضو نهضت آزادی بودند، اینها، احساس خطر کردند و دیدند که اگر بنا باشد که قانون اساسی به این شکل تنظیم شود، مقاصدی که آنها دارند برآورده نمی شود که البته آن مقاصد عمدتا مقاصد مربوط به پیش و فهم اسلامی بوذ نه اینکه بخواهم بگوئیم آنها مقاصد خائثانه داشتند، اینها دیدند که باید مجلس خبرگان تعطیل شود و این قانون اساسی به این شکل اصلا تنظیم نشود، چون اگر آن روز مجلس خبرگان تعطیل می شد، قانون اساسی نصفه کاره بود، آن وقت می گفتند پس بیایید از سر، یک چیزی درست کنیم. فرصتی برای آنها پیدا می شد که یک چیز دیگری درست کنند، اینها در غیاب تصمیم گرفتند که مجلس خبرگان را به بهانه ای تعطیل کنند. آن طوری که من از نزدیک دیدم همه شان انگیزه داشتند که مجلس خبرگان تعطیل شود، اینها می آیند یک نامه ای می نویسند. نامه ظاهرا خطاب به امام بوده و چند اشکالات قانونی نسبت به مجلس خبرگان در این نامه جمع آوری می کنند، مثلاً اشکالاتی از این قبیل که این مجلس قرار بوده یک ماه طول بکشد، حالا مثلاً دو ماه طول کشیده پس غیرقانونی است، یا قرار بوده بر مبنای آن پیش نویس طرح قانون اساسی جدید تنظیم شود و در پاره ای از اصول از آن بیش نویس تخطی شده است. از این قبیل اشکالات، یک چندتا از این اشکالات درست می کنند. شاید هم نامه خطاب به آقای منتظری بود که رئیس مجلس خبرگان بود و خلاصه اعلام می کنند که مجلس خبرگان غیرقانونی است. نظرشان این بود که نامه را به آقای منتظری بدهند و در رسانه های گروهی هم مصاحبه کنند و پخش کنند. یکبار هم مردم صبح از خواب بلند شوند و بفهمند مجلس خبرگان قانونی نیست. نخست وزیر و هیات وزیران و همه افراد اصلی حکومت اعلام می کنند که این مجلس قانونی نیست. این خیلی مساله زشت و بدی بود. در آن جلسه از هیات دولت که داشتند این مساله را تمام می کردند، چون قبلا در یک منزلی نشسته بودند و حرف هایشان را زده بودند ۱۳، ۱۴ نفر امضا کرده بودند، منتها می خواستند در هیات دولت قضیه را به آن مراحل نهایی اش برسانند. در آن جلسه هیات دولت هم من بودم و هم آقای هاشمی رفسنجانی. آن وقت جزء اعضای از شورای انقلاب بودیم که در دولت هم سمتی داشتیم، یعنی بنده معاون وزیر دفاع بودم و آقای هاشمی رفسنجانی وزیر کشور یا نماینده شورا در وزارت کشور بودند که بعد وزیر کشور شدند و ما در آن جلسه شرکت داشتیم. وقتی که قضیه مطرح شد ما هیچ سابقه ذهنی نداشتیم، بهت زده شدیم که اینجا چطور دارند این حرف ها را می زنند.

از مجلس خبرگانی که این طور خوب پیش می رود و خوب اداره می شود، اینها یک دفعه می خواهند بگویند غیرقانونی است. ما شروع کردیم به مخالفت کردن و گفتیم که این کار غلط است، این کار را نکنید، یک مطالبی بنده گفتم و یک مطالبی آقای هاشمی گفتند و اینها هم جواب می دادند، باید این را هم اضافه کنم جزء اعضای هیات دولت که آن شب با این طرح مخالفت کرد یکی آقای مهندس تاج، وزیر نیروی مهندس بازرگان بود که برخلاف انتظار بود که او چون سابقه ذهنی نداشت و او را قبلا در جریان وارد نکردند، ایشان وقتی که شنید بنا کرد به مخالفت کردن و گفت من به نظرم می رسد که این کار درست نیست و نباید این کار را بکنیم. جزء کسانی که آن شب خیلی مصر دانیال این طرح بودند یکی آقای دکتر سامی بود. یکی آقای دکتر یزدی بود، یکی آقای مهندس صباغیان بود و یکی خود آقای مهندس بازرگان بود که اینجا کسانی بودند که خیلی قوی و تشدید دنیال این مساله را گرفته بودند و استدلال می کردند بالاخره از ما گفتن و از آنها رد کردن، بحث ادامه پیدا کرد. بالاخره آقای هاشمی یک جمله بسیار قاطع و جالبی گفتند و آن جمله این بود که ایشان گفت که شما می خواهید اعلام کنید بکنید اما بدانید که امام شما را رد خواهد کرد. و امام گفته که هر کس با مجلس خبرگان [قانون اساسی] مخالفت کند این مردود است، شما اگر چنانچه این کار را بکنید مطمئناً امام به شما خواهد گفت شما کی هستید یا چه حقی دارید آرای مردم را ملغی می کنید، میلیون ها نفر از مردم به این افراد عضو مجلس خبرگان رای دادند، شما چهار نفر آدم آن گوشه نشسته اید و در اتاقی در بسته دارید رای مردم را نقض می کنید، بروید پی کارتان و خلاصه حرفتان قابل قبول نیست. امام شما را رد می کند و وقتی امام رد کرد، همه مردم در مقابل شما قرار می گیرند و کارتان به نتیجه نخواهد رسید و نکنید این کار را. اینها ظاهراً از این حرف آقای هاشمی تکان خوردند، یعنی احساس کردند که ایشان درست می گوید. این بود که از این کار منصرف شدند. منتها از روی کمال لاعلاجی منصرف شدند. گفتند پس فعلاً متوقفش بگذاریم تا ببینیم بعدها چه می شود که البته بعد فرصت این کارها برایشان باقی نماند.

حافظه

گروه سیاست

آیت الله دکتر بهشتی:

خط امام و خط سازش



مذاکره با آنها باشیم، آنها با دستگاه عظیم مطالعاتی و سیاسی که دارند سرر ما یعنی سرر ملت ما کلاه خواهند گذاشت به طوری که ممکن است تاریخ آینده همین عمل خدمت نمای ما را محکوم کند که آقای با حسن نیت ناآگاهانه خیانت کردی. ولی آنچه مسلم است اینکه این نوعی سازش است با دشمن که به گفت وگویی نشستند برای پیروزی که در آن گفت وگو از خود دشمن برای پیروزی کمک بخواییم ولو با کمال حسن نیت و اسم این را هم بگذاریم خط سازش. خط امام، نفی هر دو نوع سازش: خط امام نفی هر دو نوع سازش است؛ نفی اولی که معلوم است ولی خط امام دومی را هم نفی و طرد می کند. بیشن سیاسی و انقلابی اش این است که از دشمن انتظار خیر و کمک داشتن ساده اندیشی و ساده لوحی است. ما در طول این چندسال اصطلاک و برخورد خط امام را با این خط سازش نوع دوم را مکرر لمس می کردیم به خصوص در فاصله هفت، هشت ماه قبل از پیروزی و در چندماه اول پس از پیروزی بعضی از دوستان برای دیدار امام و مذاکره با ایشان به پاریس رفته بودند، پس از آنها من هم به پاریس رفتم، پرسیدم که اخبار این روزها چیست، گفتند بعضی از دوستان از گروه های سیاسی آمده اند و با امام یک یا دو دیدار و مذاکراتی داشته اند ولی امام گفته اند تا این آقایان همین جا رسماً در نفی رژیم اعلامیه صادر نکنند، دیگر ملاقات بعدی نخواهیم داشت. گفتیم آیا این آقایان پذیرفته اند؟ گفتند نه، نپذیرفتند. به همراه یکی دیگر از دوستان با این آقایان جلسات طولانی داشتیم برایشان استدلال می کردند که آقا منطق رهبر انقلاب و انقلاب این است که امروز که ملتی به پاخاسته و این نیروی عظیم آماده برای کارزار و نبرد و پیکار است، باید کار را یکسره کرد. گام به گام معنی ندارد و بالاخره پس از چندین ساعت استدلال و گفت وگو (چندفتری ویا جمعی) این آقایان هم پذیرفتند که باید در نفی رژیم قاطع بود، چون قبلاً مانع شده بودند که شاه برود و شورای سلطنتی به جای او بیاید و ترکیب این شورای سلطنت طوری باشد که مردمی و مردم پذیر باشد و آن وقت آرام آرام انتخابات آزادی برگزار شود و مبارزات پارلمانی سر بگیرد و بعد راجع به نفی اصل رژیم اقدام شود. این دو طرز فکر در طول سال ها و به خصوص چندماه اخیر وجود داشته، خوشبختانه

جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸- خط امام به خصوص از زمانی که دانشجویان لانه جاسوسی را گرفتند بیشتر مطرح شده، از قبل هم مطرح بود و مساله ای است که باید برای مردم زمان ما روشن شود، خط امام دارای ویژگی هایی است که باید آن را در بخش های مختلف ایدئولوژیک، اجتماعی، استراتژی و خط مشی و هر نوع تاکتیکی که به کار می رود، شناخت. من یک قسمت آن را اکنون می گویم و آن مساله خط امام و خط سازش در رابطه با سیاست های خارجی است. در رابطه با کشورهای بیگانه و دولت های پرتوان استثمارگر، دو نوع سازش وجود داشته، تاریخ سیاسی ما و خط امام نفی هر دو نوع سازش است.

اول: خط سازش خیانتکارانه: سازش

گروه ها، یا اشخاص یا پاندهای سیاسی که می خواهند در ایران به حکومت و قدرت برسند، یا قدرت های بیگانه که عملاً حاکم بر سرنوشت کشور هستند مانند آمریکا مذاکره می کنند و مثلاً می گویند شاه نوکر به درد بخوری نیست و قوتش گذشته و دیگر نمی تواند در این کشور ماندنی باشد. زمینه برای دوام حکومت او مساعد نیست. هر زوری بزیند مردم او را کنار خواهند زد. ما حاضریم حکومت را در دست بگیریم و شما هم مطمئن باشید که منافع شما هم نادیده گرفته نخواهد شد. یعنی با همان قدرتی که سلطنت قبلی را سر کار آورد، گاو بندی می کند که خود را به جای آن قدرت قبلی سر کار بیاورد و بسیار از تغییراتی که در کشورها روی داده از این قبیل است. این سازش خائثانه آگاهانه است. ما در خارج کشورمان از این خائثان شخص یا گروه کم نداشتیم. این یک نوع سازش.

دوم: خط سازش بدون قصد خیانت: فرد یا گروه یا سازمان سیاسی واقعا صمیمانه علاقه مند است که به کشور خودش خدمت کند. هیچ قصد خیانت ندارد. حتی عاشق و شیفته خدمت به ملت و کشور است ولی مطالعات و محاسبات او و برنامه ریزی هایش برای تلاش در راه خدمت به ملت به این نتیجه رسیده که در یک جبهه نمی شود هم با بیگانه مبارزه کرد هم با عامل داخلی، در خودش یا احیاناً در ملتش پتانسیل و قدرت مبارزه یکجا با آمریکا و شاه را نمی بیند و برای خودش یک استراتژی و خط مشی انتخاب می کند که با آمریکا مذاکره می کنیم و قناغش می کنیم که باید شاه و رژیمش بروند و آنها را قانع می کنیم که باید یک دولت عاشق ملت سر کار بیاید و شما هم مصطلحتان در منطقه این است که به روی کار آمدن چنین دولتی کمک کنید یا مزاحمت نکنید. پس یک فرد یا گروه مبارز برای اینکه بتوانند مبارزه خودشان با قدرت خودکامه مسلط بر کشور به ثمر برسانند، خودشان را نیازمند می بینند که از بیگانه کمک بخواهند و برای خواستن این کمک با ایادی او به مذاکره و گفت وگو می نشینند. این سازش به قصد خیانت یا از روی سوءنیت نیست ولی قابل تامل است. قابل تامل از این نظر که تجربه تاریخی نشان داده دشمن هیچ گاه خیرخواه ما نیست و در این مذاکرات و تماس ها هر قدر هم ما زیرکی نشان بدهیم اگر قرار شد ما خواهان

آیت الله صانعی:

هیچ ثوابی بالاتر از شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن نیست

آیت الله یوسف صانعی، ۲۱ بهمن ۱۳۷۱ و در پایان درس خارج فقه خود به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اظهار داشت: «امروز هیچ ثوابی بالاتر از شرکت در راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی نیست.

همه باید با شعار مرگ بر آمریکا در راهپیمایی ۲۲ بهمن از مواضع مسئولان جمهوری اسلامی پشتیبانی نماییم.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:

نظر مخالف دادن، حکومت در حکومت نیست

کیهان۱۳۵۸- بعداز ظهر دیروز دانشجویان پیرو خط امام طی یک مصاحبه مطبوعاتی رادیو تلویزیونی در رابطه با مشکلات و مسائل موجود در کشور و تصمیم شورای انقلاب مبنی بر عدم پخش افشاگری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مطالبی در اختیار رسانه های گروهی قرار دادند. سوال: با توجه به گفته بنی صدر مبنی بر وجود مراکز متعدد و تصمیم گیری برنامه آینده دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، رابطه آن با حکومت آقای بنی صدر چگونه خواهد بود؟

جواب: مساله ای که اخیراً مطرح شده مبنی بر اینکه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در حقیقت دولتی در دولت به وجود آورده اند، آیا این صحیح است یا نه؟ ما این سوال را مطرح می کنیم که آیا اظهار نظر کردن و احتمالاً نظر مخالف دولت دادن در فضایی که باید آزادی بیان باشد دولت در دولت شدن است؟ اگر حرف ما صحیح است که باید آن را پذیرفت و اگر غلط است این باعث نمی شود ارگان های اجرایی مملکت احساس کنند که ما در کارشان دخالت کرده ایم.



صاحبان این دو طرز فکر انکار هم نمی کنند که این دو طرز فکر وجود داشته. اجمالاً بگویم که در میان دوستان مختلف مان از قشرهای مختلف این دو طرز فکر بود و عده ای هم در نوسان گاهی تحت تاثیر تبیین و توجیه و استدلال این طرف و گاهی تحت تاثیر توضیح و استدلال آن طرف ولی این دو نوع برخورد با رژیم در آن ماه ها در میدان مبارزه کاملاً حضور داشت و آن کسی که بیش از همه نقش تعیین کننده داشت تا طرز فکر اول یعنی گام به گام را نفی کند و طرز فکر دوم را به کرسی بنشانند بیش از همه امام بود، به این جهت جا دارد بگوئیم خط امام در مقابل خط سازش. پس از پیروزی انقلاب عین این صحنه در رابطه با نفی آمریکا به میان آمد. یک نظر در تداوم انقلاب این بود که ما باید هرچه سریع تر هر نوع رابطه وابستگی آور را با آمریکا نفی کنیم؛ اعم از سیاسی، اقتصادی و نظامی. یاد می آید در حوادث کردستان یکی از تفسیرها این بود که دست آمریکا در این حادثه حتما هست، حداقل برای اینکه مدیریت جامعه پیروزمند انقلابی را از نظر تسلیحات و تدارکات و لوازم یدکی به آمریکا بیاورند کند. وابستگی سیاسی، نظامی و اقتصادی به خصوص به آمریکا در حالی که تنها آمریکا نبود، اروپای غربی هم بود. ژاپن هم هست. از نظر یک گروه لغزشگاه انقلاب به حساب می آمد و گفته می شد که این وضع حتماً انقلاب ما را به انحراف خواهد کشاند و در یک دید دیگر مجدداً همان منطقه بود که در این شرایط در دو جبهه و در چند جبهه نمی توانیم بجنگیم. بنابراین همین مقدار که نتوانسته ایم اصل رژیم سلطنت را از بین ببریم، استحکام بخشیم، بعد ببینیم با برنامه های دراز مدت چه کار می توانیم بکنیم که از آمریکا به کلی مستقل شویم.

به طور خلاصه در تمام این مدت در این نهضت سه شعار بود و این سه شعار نشانگر سه دید بود: ۱- شعار مبارزه با استبداد به صورت پرزنگ و مطرح نکردن مبارزه با استعمار و مبارزه با نظام های غیراسلامی. هیچ کدام از اینها مطرح نمی شد فقط یک چیز مطرح می شد و آن نفی استبداد بود. شما اگر اعلامیه های منتشرشده را که یک سند است در آن دوره مطالعه کنید، می بینید که در یک خط آنچه در اعلامیه برجسته است و گاهی تنها و تنها بود، نفی استبداد بود. از نفی استعمار سخن جدی به میان نیامده یا مطرح نبوده است. ۲- نفی استبداد و استعمار و حتی استعمار اما از اینکه اسلام زیربنای چنین نفی ای است، سخنی به میان نیامده است. ۳- نفی استبداد و استعمار و استعمار و نفی هر نظام دیگری غیر از اسلام، این شعار اکثریت توده مردم بود که فریاد می زدند آزادی (نفی استبداد)، استقلال (نفی استعمار و استعمار) و حکومت اسلامی. خطی که این سه شعار را با هم مطرح می کرد، خط امام بود که معتقد بود. این یک بیشن است، این بیشن صادقانه معتقد بود که برای ما مبنا اسلام است و در پرتو رسیدن به نظام اسلامی به استقلال و نفی استعمار و استثمار و به آزادی یعنی نفی استبداد هم می رسم این یک تز و بیشن است. اصل رسیدن به اسلام و نتیجه قطعی آن رسیدن به آزادی یعنی استقلال خواهد بود.



دخالت کنیم و به خاطر همین ما دیگر دنبال مساله را نگرفتمیم. حتی مساله کارگران سفارتخانه کسانی که قبلاً در این لانه جاسوسی کار می کردند، وقتی آمدند از ما حقوق شان را مطالبه کردند، به این خاطر که اینجا قبلاً در اختیار کاردار بوده و کاردار در وزارت امور خارجه است، آنها را رجعت دادیم به خود وزارت امور خارجه، تا آنها هر تصمیمی که می خواهد در موردشان بگیرند و طوری نشود که احتمالاً احساس شود ما در این کارها دخالت می کنیم. البته وزیر

امور خارجه به این کارگران گفته بود بروید دم لانه جاسوسی و بگوئید حقوق تان را همان اشخاصی که می آیند مقابل لانه جاسوسی و از این عمل حمایت می کنند، بدهند. ۵۰ نفر میهمان آمریکایی که نمایندگان ملت آمریکا هستند از استادان و حقوق دانان مبارز آمریکایی هستند و ما قصد داشتیم آنها را بیاوریم اینجا و جنایات آمریکا را که توسط رژیم محمدرضا شاه در ایران انجام شده بود به آنها نشان دهیم تا آنها برگردند و جنایات هیئات حاکمه آمریکا در ایران را برای مردم شان خبر بزنند. ما به این خاطر از این ۵۰ نفر دعوت کردیم. اگر این افراد ورودشان به ایران اشکالات قانونی دارد، دولت جلیوشان را بگیرد، ما که انتظاری نداریم، اما اگر ورود اینها به ایران اشکالات قانونی ندارد، پس چرا این مساله به وجود آمده که بیایند و به آنها وزیرا ندهند و آنها در فرودگاه بمانند؟ اگر غیر از این است که ما می خواهیم اینها را ببریم این طرف و آن طرف خرابه های ایران را به آنها نشان دهیم و به آنها خاطرنشان کنیم که خانواده های شهدا منتظرند تا قاتل فرزندان شان و مسبب این حوادث یعنی محمدرضای جنایتکار که اکنون در پاناما به سر می برد، به ایران مسترد گردد.